

بررسی هفت خان ازدواج در شاهد جوان

# خان اول انتخاب همسر

◦ مهدی حاج نوروزی



در زندگی این دو نفر، پسر آن نگاه را نسبت به همسرش دارد و دختر انتظار دیگر دارد.

بنابراین این دو، تناسب خانوادگی ندارند هرچند از نظر سطح تحصیلات و وضعیت مالی شبیه و در یک طبقه باشند. این

زوج پس از مدتی

در بهترین حالت پایشان به جلسات مشاوره کشیده می‌شود و در بدترین حالت به علت اختلافات شدید از دادگاه‌ها سردمی‌آورند.

## تناسب فرهنگی

ما با هم تناسب فرهنگی داریم، آنها از نظر فرهنگ با ما متفاوتند؛ فرهنگ یعنی چه؟ فرهنگ عبارتست از بایدها و نبایدهایی که تعیین تکلیف می‌کنند. آن، به ما می‌گوید چه چیزی درست است و چه چیزی غلط؟ چه کاری باید انجام شود و چه کاری نباید انجام گیرد؟ از آنجا که فرهنگ‌ها با هم متفاوت می‌باشند، بایدها و نبایدهای آنها نیز با هم فرق دارند. به عنوان مثال، بایدها و نبایدها در فرهنگ آذری‌ها بسیار متفاوت‌تر از بایدها و نبایدهای فرهنگ شمالی‌هاست؛ حتی گاهی نباید یکی، باید دیگری می‌باشد.

انسان در فرهنگ خود به طور ناخودآگاه احاطه شده است. از صبح که بیدار می‌شویم این فرهنگ ماست که می‌گوید چطور بیدار شویم و با خانواده چگونه رفتار کنیم، چطور حرف بزنیم و چگونه غذا بخوریم و... هیچ کاری نیست که با فرهنگ ارتباط نداشته باشد. بنابراین، لازم است که دختر و پسر از نظر فرهنگی اجتماعی به یکدیگر نزدیک باشند. فاصله‌های فرهنگی زیاد، زندگی این دو را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

حال اگر ۲ نفر همه خصوصیاتشان (که ذکر شده و خواهد شد) با هم همخوانی داشته باشد ولی تناسب فرهنگی نداشته باشند چگونه برخورد کنند؟ اینجاست که باید از فرهنگ یکدیگر آگاه شوند و آن را بپذیرند؛ این مهم است؛ نه اینکه آن را مسخره کنند و بگویند چه بیخود است! اگر این آگاهی و پذیرش باشد، به گونهای هم‌فرهنگ می‌شوند.

## تناسب اعتقادی

اعتقادات و باورها، جنس محکمی دارند و به خاطر هیچ‌کس نمی‌آیند و بروند. اگر ۲ نفر که با هم ازدواج می‌کنند، این تناسب را ندارند، بدانند که اعتقادات

۵۰ نوزاد به من بدهید و بگویید چه شخصیت‌هایی لازم دارید؛ دانشمند، پلیس، قاضی، دزد و... چه می‌خواهید؟! من مطابق سفارش شما ۲۰ سال بعد این افراد را به شما تحویل می‌دهم. در واقع او می‌خواهد بگوید که تربیت، نقش بسیار پررنگ‌تری از زمینه‌های دیگر مثل ژنتیک یا زمینه‌های خاص دیگر دارد. خانواده نقش اساسی و اصلی را در شکل‌گیری شخصیت فرد دارد، بنابراین افراد در انتخاب همسر، زمانی در کنار کسب نیازهای روانی (که به مراتب مهم‌تر از نیازهای بیولوژیک هستند)، درست پاسخ می‌گیرند و از اضطراب جدایی یا ترس از تنهایی نجات می‌یابند که آنفر، از نظر خانوادگی نیز متناسب باشند.

چنان‌که اشاره کردیم خانواده - بنا به تربیتی که روی فرزندش دارد - نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت او ایفا می‌کند و این مسئله این روزها بسیار نادیده گرفته می‌شود، چرا که دختر و پسر، همدیگر را خارج از بسته خانوادگی می‌بینند؛ ساده‌ترین شکل آن این است که در دانشگاه با هم آشنا می‌شوند، در حالی که نمی‌دانند طرف مقابلشان محصول چه خانواده‌ای است! در شکل دیگر در یک برخورد همدیگر را می‌بینند در حالی که هر دو، دوست دوستان‌شان هستند و شناخت دیگری از یکدیگر ندارند یا به صورت تصادفی، با هم آشنا می‌شوند.

انسان‌ها، محصول خانواده‌شان هستند؛ پس بهتر است در زمان گزینش همسر، او را از داخل بستر خانواده دید و انتخاب کرد و دقت کرد که آیا شخص مورد نظر، از نظر خانوادگی با آنها تناسب دارد یا خیر؟ در اینجا، مفهوم خانواده زمینه‌های تربیتی را نیز باز می‌کند. به طور مثال فردی می‌گوید که ما از نظر خانوادگی به هم می‌خوریم. آیا به طور خاص، بستر فرهنگی و شیوه‌های تربیتی رایج در خانواده را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند؟ گاهی ۲ نفر با هم ازدواج می‌کنند و از نظر فرهنگی و خانوادگی به هم شبیه هستند، اما شیوه‌های تربیتی آنها متفاوت است! مثلاً در خانواده پسر، زن جایگاه و ارزشی ندارد.

مثلاً مادر پسر ۳۰ سال است که زندگی کرده اما هیچ چیز متعلق به او نیست و فقط وظیفه‌اش این بوده که بشوید، بپزد، و فرزندان را بزرگ کند. پسری که نگاهش به زن این‌گونه شکل گرفته است با دختری ازدواج می‌کند که در ساختار خانواده‌اش مادر، همه‌کاره بوده و تعیین تکلیف می‌کرده است؛ در نتیجه

## پرده اول

«...ها خانم جان... یه بخت خیلی خوب تو فالت می‌بینم. کف دستت می‌گه که ماشاءالله وضع مالیش خیلی خیلی خوبه».

«جان تو، ته فنجونت یه چیزی شبیه ظرف غسل می‌بینم... چه قدرم یارو شکلیه... !! اینم شبیه بند کراوات می‌مونه... به سلامتی».

«حرکت ضربان قلبت، نشون می‌ده که ان‌شاءالله تا چند ماه دیگه داماد می‌شی... ظاهراً عروس خانم یه دختر رعنا خوش قد و بالااست!...».

## پرده دوم

آمارها، درد دل‌ها، جنگ‌ها و اعصاب خردکنی‌ها نیز حرف‌هایی برای گفتن دارند؛ بیشتر از حرف‌های رمال‌ها، فال قهوه‌چی‌ها، کولی‌ها و...

برای خیلی‌ها هنوز عصر شاهزادگان زیبای سوار بر اسب سفید از سرزمین رؤیایا تمام نشده است. اما خیلی‌ها هم دیدگاه کاملاً متفاوتی از ازدواج پیدا کرده‌اند؛ اما آنچه درست است، این است که تنها کسانی می‌توانند از ازدواج، تعریف درستی داشته باشند که آن را به راستی تجربه کرده باشند.

نیاز به ازدواج در روان انسان‌ها وجود دارد؛ همه محتاج آن هستند که تا زمانی که زنده‌اند از تنهایی نجات پیدا کنند. اما ازدواج اگر در چهارچوب درستی صورت نگیرد، به جای اینکه آرامش‌دهنده باشد آرامش را برهم می‌زند و با به جای اینکه با کسی رابطه صمیمانه‌ای پیدا کنیم، ممکن است همیشه با او زندگی کنیم، اما کاملاً تنها باشیم.

بنابراین، باید چهارچوب‌های اساسی انتخاب همسر را به خوبی بدانیم تا با انتخاب درست به نیازهای بیولوژیک و روانی خود، پاسخ صحیح بدهیم.

## تناسب خانوادگی

به طور کلی، شخصیت انسان‌ها در بستر خانواده شکل می‌گیرد. چهارچوب خانواده و آنچه که به‌عنوان شکل‌گیری شخصیت در خانواده وجود دارد، از خانواده‌ای به خانواده دیگر متفاوت است؛ یعنی هر خانواده بسته به زمینه فرهنگی و تربیتی‌ای که دارد در فرد تأثیرات متفاوتی می‌گذارد؛ چرا که نقش تربیت در شکل‌گیری شخصیت مهم است.

جان واتسون - پدر علم روان‌شناسی - می‌گوید:



طبق تحقیقات نشان داده شده، افرادی که بیش از حد افسرده، کمرو، مضطرب، متخاصم، تکانشی (کسی که بدون فکر کردن عمل می‌کند) و یا در برابر فشارهای روحی آسیب پذیر هستند، فرد مناسبی برای ازدواج نیستند، همچنین در صورت وجود چنین مواردی این شخص باید روان درمانی شود. در زیر به چند نمونه از ویژگی‌های نه چندان مثبت اشاره شده و بهترین توصیه در چنین شرایطی، ازدواج نکردن است!

زمانی که طرفین با هم هستند مثلاً برای تفریح اما بیشتر وقت آنها به جر و بحث و مخالفت با یکدیگر می‌گذرد. رابطه بین عشق و تنفر) چنانچه یکی از طرفین به طور مداوم و آزاردهنده ای سؤالاتی از این قبیل را مطرح کند: «مطمئنم که دوستم داری؟» یا «واقعاً برایت اهمیت دارم؟» (تیپ تأییدخواه) اگر با پدر و مادر خود رابطه خوبی ندارید و همسر آینده شما «درست شبیه» این والد نامطلوب شما است.

اگر دلیل ازدواج یکی از طرفین، یافتن کسی باشد که برایشان «مادری» یا «پدری» کند. اگر تصمیم به ازدواج از جانب پدر یا مادرها همسر آینده به فرد تحمیل شود. اگر به این فکر کنید که: (شاید همه چیز بعد از ازدواج درست می‌شود) چنانچه یکی از طرفین از دیگری بخواهد که همه دوستان قدیمی خود را ترک کند و یک زندگی اجتماعی تازه را شروع کند. (تیپ مالکیت طلب) چنانچه یکی از طرفین همه تصمیم‌های مهم در رابطه با دیگری را به تنهایی اتخاذ می‌کند و (تیپ فرمانده)

اگر یکی از طرفین به راحتی و بارها «از کوره در می‌رود» و در کنترل خلق و خوی خود ناموفق می‌باشد. اگر احساس کنید برای ازدواج، توسط فرد مورد نظرتان تحت فشار قرار گرفته‌اید. چنانچه یکی از طرفین دیگری را از نظر روحی و عاطفی آزار دهد.

اما:

- تصمیم‌گیری برای ازدواج بهتر است از روی عقل باشد تا عشق، و بیاموزید ویژگی‌های خود و طرف مقابل خود را خوب تشخیص دهید و تا پیش از ازدواج، در پی درمان آن باشید زیرا ازدواج تنها مشکلات شخصیتی را حل نمی‌کند بلکه در بسیاری از موارد آن‌ها را شدیدتر هم می‌کند. - قبل از ازدواج به خوبی با شخص مورد نظر با افکار و روحیات و شرایط آن آشنا شوید.

این دو در طولانی مدت دچار مشکل خواهند شد؛ با هم هستند اما احساس تنهایی می‌کنند. جالب اینجاست که در ابتدا به خاطر خصوصیات متضادی که دارند، خیلی جذب همدیگر می‌شوند اما به تدریج از هم فاصله می‌گیرند چون با هم تناسب ندارند و نمی‌توانند نیازهای همدیگر را برآورده نمایند.

### تناسب تحصیلی

این تناسب هم نقش مؤثری دارد. اما چون تحصیلات اکتسابی است (یعنی اگر امروز نیست فردا می‌تواند باشد)، جزء مسائلی است که می‌گوییم اگر همه شرایط را دارند و بالقوه می‌توانند ادامه تحصیل دهند، در این ازدواج مشکلی پیش نمی‌آید.

اگر دختر فوق لیسانس و پسر لیسانس است، اشکالی ندارد (در حالی که به غلط جا افتاده که شوهر باید بالاتر باشد) اما اصولاً بهتر است که هر دو هم سطح باشند. گاهی دو نفر از مقطع لیسانس با هم آشنا می‌شوند و ازدواج می‌کنند. پسر دکترا می‌گیرد اما دختر در همان مقطع باقی می‌ماند. کم‌کم از هم فاصله می‌گیرند و فضای فکری آنها بسیار متفاوت می‌شود.

### رضایت والدین

به دلیل اینکه عدم رضایت والدین تا سال‌های بسیار طولانی و حتی تا آخر زندگی تأثیر خود را دارد، بهتر است که دو نفری که می‌خواهند با هم ازدواج کنند، حتماً خانواده‌هایشان راضی باشند و اگر نیستند باید آنها را متقاعد سازند. باید دلایل مخالفت را دانست چرا که اغلب تجربه آنها باعث می‌شود که دلایل درستی را مطرح کنند و نباید عدم رضایت را سرسری گرفت و باز هم اگر برخلاف همه تلاش‌ها راضی نشوند، شایسته است تا گرفتن رضایت صبر کنند یا به ازدواج دیگری فکر کنند.

حقیقت امر این است که رضایت والدین تا زمانی که زندگی می‌کنند تأثیر خودش را دارد. بنابراین ازدواج مهم‌ترین تصمیم زندگی انسان است. بدیهی است جدی گرفتن این مسئله و دقت در تمام جوانب می‌تواند زندگی موفق‌تری را رقم بزند. در غیر این صورت، پشیمانی و پریشانی نتیجه ازدواج عجولانه خواهد بود.

### ازدواج با چه اشخاصی صلاح نیست؟

بر اساس تحقیقات جفری اچ لارسن (Jeffrey H Larson) محقق و کارشناس مسائل خانوادگی در هر فردی، ویژگی‌های شخصیتی خاصی وجود دارد که می‌شود آن‌ها را پیش از ازدواج شناسایی کرد و از طریق آن‌ها موفق یا ناموفق بودن یک ازدواج را پیش‌بینی کرد.

اما این خصوصیات چه هستند و چه افرادی در لیست کسانی که نباید با آن‌ها ازدواج کرد؟ قرار دارند:

تغییری نخواهد کرد. مگر براساس شناخت. به‌عنوان مثال، دختری به حجاب اعتقاد ندارد. پسری با او ازدواج می‌کند و می‌گوید به خاطر من حجاب بگذار. ممکن است دختر بپذیرد ولی اعتقادی به آن ندارد. حجابی که به خاطر پسر می‌آید، روزی که دختر خاطر پسر را نخواهد و کوچک‌ترین اختلافی پیش آید، برداشته خواهد شد. وقتی انسان محجبه و نمازخوان می‌ماند که اعتقاداتش را پیدا کند، نه اینکه «به خاطر...» باشد. اگر فردی بی‌اعتقاد است، باید در ابتدا حوزه‌های آشنایی او را پیدا کرد تا او با مطالعه و تحقیق به اعتقاد محکمی برسد، نه اینکه به خاطر دیگری اعتقاد ظاهری پیدا کند.

### تناسب اقتصادی-اجتماعی

طبقه اقتصادی-اجتماعی، یک نوع نگرش به زندگی می‌دهد. وقتی دو نفر از لحاظ طبقه اقتصادی-اجتماعی با هم فاصله زیادی دارند، نگرش به زندگی و رفتارشان با هم متفاوت است. گاهی آدم‌هایی متعلق به طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا نیستند اما با فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی به این طبقه می‌رسند و صاحب خانه، ماشین، ویلا و... می‌شوند. اما مردم در یک برخورد یا یک نگاه به آنها می‌گویند تازه به دوران رسیده‌ها! این، نوع رفتار و نگرش آنهاست که مردم را متوجه این مسئله می‌کند.

طبقه اقتصادی-اجتماعی به انسان‌ها یک نگرش، رفتار و بینش به زندگی می‌دهد. بنابراین وقتی دو نفر از دو طبقه اقتصادی-اجتماعی متفاوت با هم ازدواج می‌کنند، از نظر نوع نگاه به زندگی خیلی با هم فرق دارند و نگرش آنها به زندگی خیلی متفاوت است؛ به همین دلیل دچار مشکلات بسیار می‌شوند.

### تناسب شخصیتی

هر انسانی شخصیت ویژه خود را دارد. اگر دو نفر که ازدواج می‌کنند، تفاوت‌های شخصیتی زیادی با هم داشته باشند در رابطه خود دچار مشکلات زیادی می‌شوند. فرض کنید فردی از نظر شخصیتی برون‌گراست و راحت ابراز احساسات و عواطف می‌کند و بیشتر دوست دارد در جمع باشد؛ این فرد با کسی ازدواج می‌کند که انسانی درون‌گراست و ابراز احساسات برایش سخت است، حضور در جمع برایش خوشایند نیست و ارتباط برقرار کردن با افراد برایش دشوار است.